«فرهیختگان» در گفت‌وگو با سینماگران، وضعیت سینمای ایران در سال‌های اخیر را بررسی می‌کند

ارشاد: تماشاچی سینما

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

جشنواره فیلم فجر، برخلاف جشنواره هنرهای دیگر که در بهمن‌ماه برگزار می‌شود را می‌توان آیینه تمام‌نمای سینمای ایران دانست. سینمایی که چارچوبش را بعد از ۴۰ سال شناخته و با وجود سوءمدیریت‌ها در دوره‌های مختلف و عوامل بیرونی به راهش ادامه می‌دهد. سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر در حالی به کار خودش خاتمه داد که نمی‌توان حضور موثر و پررنگ جوانان را در آن نادیده گرفت. جوانانی که پیش از این تنها به‌واسطه سینمای هنر و تجربه یا انجمن سینمای جوان به‌صورت محدود دیده می‌شدند و حالا خودشان را در بخش رقابتی فیلم فجر می‌دیدند. البته برای بررسی دقیق و کامل سینمای ایران نمی‌شود و نباید به‌طور کامل به جشنواره فیلم فجر بسنده کرد. فیلم‌هایی که در طول سال اکران می‌شوند هم نقش بسزایی در ارائه یک تصویر دقیق برای بررسی و تحقیق سینمای ایران دارند. آثار پرفروش یا کم‌فروشی که برای سال یا سال‌های بعد می‌توانند به‌عنوان راهنمای کارگردانان جوان یا قدیمی عمل کنند. فیلم‌های کم‌مایه‌ای که به‌دلایل مختلف می‌فروشند و در یک برهه زمانی مثلا پنج تا ۱۰ ساله سلیقه مخاطبان را هم تغییر می‌دهند و احتمالا تنزل یا ارتقا می‌بخشند. هرکدام از این متغیرها برای بررسی آخرین سال دهه ۹۰ و آخرین سال قرنی که داخلش هستیم مفید و موثر هستند. سینمای ایران کم‌کم حضور جوان‌ها را پذیرفته و با همان شیب با قدیمی‌ها آرام‌آرام خداحافظی می‌کند. نفوذ اقتصادیون و سرمایه‌داران به سینما نسبت به دهه‌های قبل بیشتر شده و سهم زندگی مردم از سینما هم کمتر شده است. در این گزارش با چهار نفر از دست‌اندرکاران سینما صحبت کرده‌ایم. تورج اصلانی و طهماسب صلح‌جو که از داوران دوره اخیر جشنواره بودند به‌همراه احسان عبدی‌پور و محمدرضا عباسیان نگاه‌های خودشان نسبت به آنچه در سال گذشته رخ داد و در سال بعد قرار است اتفاق بیفتد را با ما در میان گذاشته‌اند.

ویترینی که نیست

تورج اصلانی را باید جوان‌ترین عضو داوران جشنواره فیلم فجر لقب داد. در کارنامه‌اش سابقه فیلمبرداری و کارگردانی هم دیده می‌شود.

کارگردان «حمال طلا» درباره آنچه در جشنواره امسال دیده را این‌گونه تشریح کرد: «با توجه به اینکه داور جشنواره فیلم بودم فقط ۲۳ فیلم را دیدم که طبیعتا همه محصولات یک‌ساله سینمای ایران نیست که بخواهیم جمع‌بندی جامعی داشته باشیم. امکانات مثبتی که در فیلم‌ها دیدم و می‌توانم بیان کنم نوید خوبی برای ساختارهای جدید در سینماست؛ تغییر ذائقه بصری و انصرفی فیلم‌هاست. این اتفاق خوشایندی است که همه فیلم‌ها نوعا به یک فضای سینمایی آپارتمانی دست دارند. اصل فضا در فیلم‌های سینمای اجتماعی یکی از نقش‌های اصلی را داشت که یکی از نیازهای سینماست. استعدادهای خوبی که در سینما وارد شدند ذائقه بصری رو را می‌شناسند و از این نظر اتفاق خوبی است. و بعد فنی و آرتیستیک می‌توان خوش‌بین بود. «فیلمبردار خوب سخته» با بیان اینکه از نظر مخاطب و پخش، بوترین کافی و کامل برای همه محصولات سینمایی ایران وجود دارد، اضافه کرد: «امیدوارم بوترین برای همه فیلم‌ها با هرسلیقه‌ای که تولید می‌شود، وجود داشته باشد. الان سلیقه‌های مختلف وارد مرحله تولد شدند. قبلا یک یا دو سلیقه‌ای بود اما محصولات ما الان چند سلیقه‌ای هم شدند و خوب است که ویترین برای سلایق مختلف در سال ۹۹ باشد که خیلی از کارهای خوب بتواند با مخاطب خاص خود ارتباط برقرار کند.» از اصلانی پرسیده شد: «یکی از نقدهایی که به فیلم‌ها در سال گذشته مطرح بود این بود که مردم زندگی واقعی خود را در پرده سینما نمی‌دیدند. یک چیز رویایی از زندگی مرفه یا چیزهای پرتی می‌دیدند که از نظر موضوعی در زندگی خودشان مبتلا به نداشت. فرق می‌کند امسال اوضاع بهتر شده است؟»

فیلمبرد! درخودگاه، «درپاسخ به این سوال گفت: «قدری دوربین‌های سینما به زندگی واقعی آدم‌های اجتماع نزدیک‌تر شده و باید یک وجه مثبت است که کارگردانان به زندگی واقعی آدم‌های جامعه نزدیک‌تر شدند، اما نگاه‌های تقریبا تلخ هرچند نزدیک به آدم‌ها بود ولی در اکثر فیلم‌ها دیده می‌شد. به هر حال اگر سینمای اجتماعی را معیار قرار دهیم، باید بپذیریم که نمی‌تواند دروغ بگوید. این نوع سینما گزارشی از اجتماع ما می‌دهد. از این نظر نزدیک به آدم‌های اجتماع شدند ولی آدم‌های اجتماع خیلی در فیلم‌ها خوشحال نیستند، یعنی نشانه این است که شاید در اجتماع هم ما همین چالش دست‌وپنجه نرم می‌کنند. آدم‌هایی که درباره آنها فیلم ساخته می‌شود، شادنیستند و امسال در جشنواره شاهد حضور یک فیلم کمدی به نام «خوب، بد، جلف ۲» بودیم که آن هم یک نوع سینمای فانتزی است. امروز سینمای فانتزی هم می‌تواند باشد و هست و به زندگی خود ادامه می‌دهد، ولی سینمای اجتماعی ما حکایت از اجتماع خوشحالی ندارد. امیدوارم سال دیگر حکایت از جامعه خوشحال را داشته باشد و بازتاب خوشحالی بیشتری را در فیلم‌ها شاهد باشیم.»

اصلانی در پاسخ به اینکه احتمالا اگر اجتماع به‌خودی خود خوشحال شود، سینما هم خروجی‌های خوشحال‌تری خواهد داشت؟ گفت: «سینمای اجتماعی اگر بخواهد منصفانه نگاه کند برخی مواقع با راهکار فیلمساز وارد می‌شود و پیشنهادی دارد که خوشایند است و برخی مواقع بازتاب یک اتفاق اجتماعی است که بیشتر امسال بازتاب پیدا شود تا راهکار برای مسائلی که در اجتماع جاری است.»

به اصلانی گفتیم درباره بحث جوان گرایی در سینما خیلی‌ها اعتقاد دارند این جوان گرایی اجباری است و مخلوق یک برنامه‌ریزی نیست، بلکه یک سری کارگردانان قدیمی مارفته‌تر جوان مخاطب یا حوصله ندارند و یک سری جوان آمدند. روندی نیست که هدفمند نبوده است. نظر شما در این باره چیست؟ «حضور این میزان جوان اتفاق خوبی است ولی آیا در یک مسیر درستی آموزش دیدند یا نیازیست شدند یا برای آزمون و خطا آمدند؟» او این گونه پاسخ داد: «الان باید بگویم جوان‌ها کارشان دیده شده است. جوان‌ها به‌نعمت صنعت دیجیتال که در دسترس همه قرار دارد، اکثرا شناخت اولیه تکنیک سینما را پیدا کردند که فیلم می‌سازند. برخی با قابلیت بیشتر و برخی با قابلیت کمتر این کار را انجام می‌دهند. مهم این است که این جوانان در اجتماع هستند و به آدم‌ها نزدیک‌اند. برای همین می‌توانند راحت‌تر قصه‌ها را بیان کنند. هر چقدر از اجتماع فاصله می‌گیرند و سن‌شان بیشتر می‌شود، آثارشان ضعیف‌تر می‌شود. برخی از فیلمسازان در گذشته فیلم‌های اجتماعی خوبی ساختند ولی الان با امکان این را ندارند یا فیلم خوبی ساخته نمی‌شود. دلیلش این است که از اجتماع فاصله دارند. جوانان هنوز فاصله کمتری با اجتماع دارند و قصه‌های اجتماعی باورپذیرتر بیشتری را می‌بینند و می‌نویسند و می‌سازند. برخی از این جوانان نخبه‌هایی هستند که هدایت و حمایت می‌شوند و برای برخی اینچنین نیست و در فیلم اول و دوم تمام می‌شوند. این هم وجود دارد. اگر بخواهیم آسیب‌شناسی کنیم باید درست

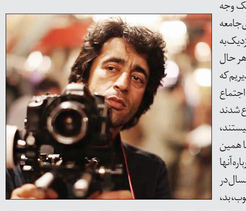

هدایت و پشتیبانی شود چون فکر دارند ولی شرایط تولید همیشه برایشان وجود ندارد و با توجه به وضعیت اقتصادی فعلی، تولیدات سخت‌تر می‌شد. شاید برخی از این نخبگان قربانی شرایط بد اقتصادی تولید شوند ولی نمی‌توان توان‌شان را انکار کرد. پیشکسوتان فیلم‌سازی کمتری می‌سازند و به‌مرور کردن‌شان خیلی مهم است. متدهای فیلمسازی در حال تغییر است. یک فیلمساز با این متدها باید بتواند خود را به‌روز کند و به‌نظر من می‌تواند از پس فیلمسازی با شیوه‌های جدید برببایید. این تغییر شیوه شاید برای همه پیشکسوتان یا امکان‌پذیر نیست یا تعصب روی شیوه‌های خود دارند که شرایط تولید با نگاه آنها همراهی نمی‌کند.»

چه شد که دیدن بعضی فیلم‌ها، حال آدم را بد می‌کند؟

احسان عبدی‌پور فیلمساز جوانی است که با ساخت فیلم‌هایی چون «پاپ»، «نیک‌اف» و «تنهای تنهای تنها» توانست جای خودش را میان علاقه‌مندان سینما باز کند. با او به‌عنوان نماینده کارگردان‌های جوان هم‌صحبت شدیم.

از عبدی‌پور درباره وضعیت سینمای ایران در سال ۹۸ پرسیدیم و او با بیان اینکه من فیلم‌ها را نتوانستم امسال دنبال کنم، اضافه کرد: «پنج سالی است که به جوان‌ها پهای بیشتری داده می‌شود ولی از سوی دیگر کارگردانانی که فیلم‌هایی را برای سرزمین من می‌سازند، همه فیلمسازانی که این سال‌ها عشق حضور جوان‌ها را دوقوزه می‌کند همان قدر هم ترسناک است. بخاطر خودشان می‌ترسم که این چیست آدم‌ها به‌یک‌باره از آب پرت می‌شوند و یک‌باره فاصله عجیب‌وغریبی بین آنها با آثار قبلی‌شان ایجاد می‌شود. به‌نظرم این جای واکاوی دارد. این نیاز به نگاهی مستمر دارد. این طور نیست که کسی بی‌احتیاطی کند و بیفتد، یک جایی از این مسیر درست ساخته نشده و یک جایی اتصال ندارد. احتمالا آخرین فیلمی که دیدم، همه این است که به مسائل بنیادین جامعه‌شناسی سیاسی و فرهنگی برسیم که چه انقطاعی باعث شده آنها وارد سیاره دیگری شوند و ما به سمت دیگری پرتاب شویم. این امر عجیب‌تر از رشد آدم‌های فیلمساز جدایی است که در سینمای ایران می‌آیند و خیلی خوب هستند. رشد خوب است ولی از دست دادن ترسناک است. چون مودی نیست و جامعه آماری آنها گسترش یافته است. به‌نظرم کاش یک‌سری آدم‌ها تحلیل دیتاها و سیر تحول سینما را داشتند و مقاله جدایی درباره این می‌نوشتند. در این حد نیست که بگویند تماشاگران در سینما به کدام فیلم خندیدند. این جریان از خندیدن و این فیلم خوب و آن فیلم بد درآمده است. مسیری شده است که مشخص نیست ما هیچ آن چیست و چرا در چنین حالتی می‌شویم. این حادثه باید تحلیل کرد.»

کارگردان سریال «آرامند» و درباره دلایل ورشدهای این پدیده می‌گوید: «ریشه این یک آدم است. چند سیم باریکند که خیلی صدا می‌دهند همانند سیم گیتار یا ستار است. آن سیم‌ها به هرعلتی ممکن است صدمه ببینند. همانند نخاع انسان هستند. نباید به حوادث بزرگی در زندگی خود نداره که از قله‌های رسمی و روانی پرت شود، ولی یک‌بار هم‌اتفاق‌هستیم؟ ۱۵ نفر همزمان پرت‌شدند. چه ارتعاشاتی به اینها وارد شده است؟ اینها چه صدماتی از جامعه دیدند که اعتماد به‌نفس آنها در ساخت قصه را از دست دادند. یک آدمی می‌تواند رشد نکند، می‌تواند در فیلمنامه هم رشد نکند ولی در دکوپاژ نمی‌تواند عقب‌رفت کند. دکوپاژ کردن مثل دوچرخه‌ایاد گرفتن است. از آن کمتر نمی‌شوید. در ژن و ذهن شما می‌رود. آن، دستور و گرامر شما برای ساخت سکانسی در سینما می‌شود. آن، ذات شما برای تعریف کردن سکانس می‌شود. می‌فهمید دوربین‌ها را چه کار کنید. نمی‌خواهد درباره آن خیلی فکر کنید. در همه آنها عقب‌رفت کردند و باید دیگر یکی سراغ اینها رفت و بعد تیمی با عجیب‌ترین شرایط می‌سازند، چرا این ماجرا نمی‌شود؟ و بعد تیمی با این مساله خیلی نیاز است.»

از عبدی‌پور خواستیم که مصادیقی از این لیست ۱۰-۱۵ نفره بگوید و در جواب گفت: «اجازه بدهید اسم‌هم نیاورم. همه فیلمهمونی می‌شوند و از زندگی شان لیست ۱۵-۱۰ نفره درست کنیم که دیگر دیدن فیلم‌های آنها به درد نمی‌خورد.»

عبدی‌پور در پاسخ به اینکه به وضعیت موجود خود فرد مقصر است یا فضایی که در جامعه ایجاد شده یا سیری که برای آن تعریف کردند؟ گفت: «یک جایی این آدم از تعادل زندگی خود خارج شده است. یک ضربه‌ای به او خورده است. مانمی‌فهمیم. مثلا در سینمای جهان شاید با وزن زندگی واقعی باشد. همکن است دارای فلسفی باشد و هرچیزی ممکن است. خروجی آن مرگ یک نسل شده است. جامعه آماری شما ۱۵ نفر می‌شود یعنی ۱۵ نفر در عالم سینما و مرکزیک نسل است. دوسه نفر واحد آماری می‌شوند. ۱۵ نفر نسل چه‌چرا در انتها این حادثه می‌شویم. این حادثه باید تحلیل کرد.»

کارگردان سریال «آرامند» و درباره دلایل ورشدهای این پدیده می‌گوید: «ریشه این یک آدم است. چند سیم باریکند که خیلی صدا می‌دهند همانند سیم گیتار یا ستار است. آن سیم‌ها به هرعلتی ممکن است صدمه ببینند. همانند نخاع انسان هستند. نباید به حوادث بزرگی در زندگی خود نداره که از قله‌های رسمی و روانی پرت شود، ولی یک‌بار هم‌اتفاق‌هستیم؟ ۱۵ نفر همزمان پرت‌شدند. چه ارتعاشاتی به اینها وارد شده است؟ اینها چه صدماتی از جامعه دیدند که اعتماد به‌نفس آنها در ساخت قصه را از دست دادند. یک آدمی می‌تواند رشد نکند، می‌تواند در فیلمنامه هم رشد نکند ولی در دکوپاژ نمی‌تواند عقب‌رفت کند. دکوپاژ کردن مثل دوچرخه‌ایاد گرفتن است. از آن کمتر نمی‌شوید. در ژن و ذهن شما می‌رود. آن، دستور و گرامر شما برای ساخت سکانسی در سینما می‌شود. آن، ذات شما برای تعریف کردن سکانس می‌شود. می‌فهمید دوربین‌ها را چه کار کنید. نمی‌خواهد درباره آن خیلی فکر کنید. در همه آنها عقب‌رفت کردند و باید دیگر یکی سراغ اینها رفت و بعد تیمی با عجیب‌ترین شرایط می‌سازند، چرا این ماجرا نمی‌شود؟ و بعد تیمی با این مساله خیلی نیاز است.»

از عبدی‌پور خواستیم که مصادیقی از این لیست ۱۰-۱۵ نفره بگوید و در جواب گفت: «اجازه بدهید اسم‌هم نیاورم. همه فیلمهمونی می‌شوند و از زندگی شان لیست ۱۵-۱۰ نفره درست کنیم که دیگر دیدن فیلم‌های آنها به درد نمی‌خورد.»

عبدی‌پور در پاسخ به اینکه به وضعیت موجود خود فرد مقصر است یا فضایی که در جامعه ایجاد شده یا سیری که برای آن تعریف کردند؟ گفت: «یک جایی این آدم از تعادل زندگی خود خارج شده است. یک ضربه‌ای به او خورده است. مانمی‌فهمیم. مثلا در سینمای جهان شاید با وزن زندگی واقعی باشد. همکن است دارای فلسفی باشد و هرچیزی ممکن است. خروجی آن مرگ یک نسل شده است. جامعه آماری شما ۱۵ نفر می‌شوند یعنی ۱۵ نفر در عالم سینما و مرکزیک نسل است. دوسه نفر واحد آماری می‌شوند. ۱۵ نفر نسل چه‌چرا در انتها این حادثه می‌شویم. این حادثه باید تحلیل کرد.»

کارگردان سریال «آرامند» و درباره دلایل ورشدهای این پدیده می‌گوید: «ریشه این یک آدم است. چند سیم باریکند که خیلی صدا می‌دهند همانند سیم گیتار یا ستار است. آن سیم‌ها به هرعلتی ممکن است صدمه ببینند. همانند نخاع انسان هستند. نباید به حوادث بزرگی در زندگی خود نداره که از قله‌های رسمی و روانی پرت شود، ولی یک‌بار هم‌اتفاق‌هستیم؟ ۱۵ نفر همزمان پرت‌شدند. چه ارتعاشاتی به اینها وارد شده است؟ اینها چه

چارسو

«خورشید» رکورددار دریافت جایزه در تجلی اراده ملی فیلم فجر

در اختتامیه بخش تجلی اراده ملی جشنواره فجر که عصر دوشنبه، ۲۸ بهمن‌ماه در تالار ایوان شمس برگزار شد، فیلم سیمابی «خورشید» ساخته مجید مجیدی توانست با دریافت هشت جایزه با اختلاف بسیار رکورددار دریافت بیشترین جایزه در این بخش شود. البته در این میان سه جایزه برای بازیگران کودکی بود که در این فیلم ایفای نقش کردند. علاوه‌بر مجید مجیدی، ۱۴ فیلم دیگر نیز از کل آثار حاضر در سی‌وهشتمین دوره فیلم فجر در اختتامیه بخش تجلی اراده ملی جوایزی را به نام خود ثبت کردند. مستند «خط باریک قرمز» فرزاد خوشدست، «آبادان یازده ۶۰» مهرداد خوشخت، «بی‌صدا حلزون» بهرنگ درفلوی راد، «قصیده گاو سفید» بهتاش صناعی‌ها، «پدران» سالم صلواتی، «آتابای» نیکی کریمی هرکدام دو دو بخش جوایزی را دریافت کردند.

همچنین فیلم‌های «روز صفر» سعید ملکان، «مغز استخوان» حمیدرضا قربانی، «درخت گردو» محمدحسین مهدویان، «ابر بارانش گرفته» مجید درنگر، «مستند» جلیی باوفا نیست» سام کلانتری، «دشمنان» علی درخشنده، «۸ کم حیس» سامان سالور، «بوی باروت» بهروز شعیبی هرکدام یک جایزه دریافت کردند.

از نکات قابل اشاره در این اختتامیه برخلاف اختتامیه اصلی جشنواره فیلم فجر که شامگاه ۲۲ بهمن‌ماه برگزار شد و برخی از سازندگان آثار و برگزیدگان حضور نداشتند، در اختتامیه بخش تجلی اراده ملی، عوامل فیلم روز صفر حاضر شدند و سعید ملکان که برگزیده یکی از بخش‌ها شده بود، برای دریافت جایزه خود روی سن حاضر شد. ۱۲ سازمان، نهاد و تشکل برای حضور و داوری بخش «تجلی اراده ملی» درنظر گرفته شدند که براساس قضاوت هیات‌های داوری، جداگانه برگزیدگان خود را معرفی کردند که این نهادها به این شرح هستند: بنیاد شهید و امور ایثارگران، وزارت بهداشت، درمان‌وآموزش پزشکی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت صنعت، معدن‌وتجارت، وزارت ورزش‌وجوانان، سازمان بهزیستی، شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه، سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران، شرکت سهامی بیمه ایران، سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور، قوه‌قضائیه و فراکسیون جوانان مجلس شورای اسلامی.

پروژه تازه بازیگر «جوکر» مشخص شد

از همین حالا شرکت «۲۴» به بازار فیلم اروپا در برلین رفته تا تاخت‌تاز فیلم خواکین فینیکس بعد از «جوکر» به خریداران آن باشد.

این پروژه درامی به نویسندگی و کارگردانی مایک میلز فیلمساز زنان قرن بیستمی، و «تازه کارها» خواهد بود که هنوز عنوانی برای آن تعیین نشده است. ای ۲۴ مسئولیت تهیه کنندگی و تامین مالی این پروژه را برعهده دارد و فروش آن را از هنّه آغاز خواهد کرد. این پروژه احتمالا بسیار در میان خریداران محبوب خواهد بود. فینیکس بازیگر برنده جایزه اسکار در این فیلم نقش هنرمندی را ایفا می کند که باید از خواهرزاده جوان خود حمایت کند و باید این تربیت این دو در سرمی به سراسر آمریکا، با هم نزدیک‌تر می‌شوند. گیبی هافمن، بازیگر سریال «شفاف» و مودی نورمن بازیگر سریال «بولدسار» و کنت کینت برایان از «پنجه‌ها» دیگر بازیگران این فیلم هستند. این پروژه حدود ۱۰ میلیون دلار بودجه ساخت دارد و مراحل تولید آن اخیرا در نیواورلینز به پایان رسید. فینیکس اخیرا به‌خاطر نقش آفرینی فوق‌العاده خود در فیلم «جوکر» مجموعه‌ای از نقدهای درجه یک و جوایز مختلف را از آن خود کرد. گفته می‌شود پروژه جدید این هنرمند هم تا حدودی به بیماری روانی مربوط خواهد بود چون پدر کودک با بیماری دوقطبی دست‌وپنجه نرم می‌کند. درحال حاضر تاریخ ۲۹ ماه مه به‌عنوان روز اکران فیلم در ایالات متحده اعلام شده است.

اکران فیلم‌های جشنواره عمار در هند

سه فیلم از آثار جشنواره مردمی عمار با همکاری رایزنی فرهنگی ایران در دهلی نو در هندوستان به نمایش درآمد. در روزهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ بهمن‌ماه سه فیلم از آثار جشنواره مردمی فیلم عمار به همت رایزنی فرهنگی ایران در هند در کالج هنر دانشگاه دهلی‌نو برای دانشجویان این دانشگاه به نمایش درآمد. آثار به نمایش درآمده در این دانشگاه فیلم‌های «تو تروریست» من تروریست»، «جزیره فارسی» و «عروس وامنان» بودند. مستند «تو تروریست، من تروریست» اثر علی فراشبند، روایتی از سفر چند تروریست با ملیت‌های مختلف است که به ایران سفر کرده‌اند. تروریست‌هایی که در کشورهایشان دروغ‌های رسانه‌ای مانند اینکه ایران حامی تروریست‌ها و کشوری خطرناک برای سلامت انسان است را شنیده بودند، اما با سفر به ایران با واقعیت دیگری مواجه می‌شوند. آنها ایران را نه تنها خطرناک نمی‌دانند بلکه به‌عنوان کشوری زیبا معرفی می‌کنند. همچنین مستند «جزیره فارسی» به کارگردانی علی صدری‌نیا، تصویرگر صحنه دستگیری تفنگداران آمریکایی در سال ۹۴ است؛ این اتفاق درجزیره‌ای در دورترین نقطه جغرافیایی کشور و نزدیک‌ترین جزیره ایران به عربستان به‌نام فارسی افتاد. مستند «عروس وامنان» به کارگردانی فاطمه مرزبان نیز در ارتباط با روستایی به‌نام وامنان است که روزگاری کشت سیب‌زمینی و لوبیا منبع درآمد اصلی ساکنان این روستا بود اما در حال حاضر مدتی است که کشت زعفران مورد توجه ساکنان این روستا قرار گرفته است و درآمد سرشاری را نصیب آنها کرده است.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

مدیریت سینما تاثیری در شکل‌گیری نسل جدید فیلمسازی نداشت

طهماسب صلح‌جو، سال‌هاست به‌عنوان منتقد در رسانه‌ها حضور دارد و در این دوره نیز به‌عنوان یکی از داوران بخش سودای سیمرغ جشنواره حضور داشت. با او درباره وضعیت امسال و سال بعد سینمای ایران همکلام شدیم که در ادامه می‌آید:

در حال تهیه گزارشی درباره وضعیت سینمای ایران در سال ۹۸ و چشم‌اندازی که در سال ۹۹ دارد، هستیم. نگاه شما در این‌باره چیست؟ در سال ۹۹ اوضاع اقتصادی چه تاثیری روی سنیما می‌گذارد؟ چه اتفاقی برای مخاطب می‌افتد و چه ژانرهایی سال بعد مورد استقبال قرار می‌گیرد؟

متاسفانه نمی‌توانم نظر بدهم، چون به مسائلی که بیان کردید، اشراف ندارم. از اقتصاد سر درنمی‌آورم و فیلم‌هایی که دیده‌ام هم زیاد نیست که بتوانم نظر کاملی در این‌باره بدهم.

نظر شما براساس همان تعداد فیلمی که دیده‌اید چیست؟ سینمای ایران در سال بعد چه وضعیتی خواهد داشت؟

به نظر من وضعیت خاصی ایجاد نمی‌شود؛ نه بدتر و نه بهتر می‌شود. در ادامه هم شاهد سینمایی خواهیم بود که سال‌های قبل بوده است. مگر اینکه اتفاق خاصی بیفتد که روی سینما هم مانند حوزه‌های دیگر تاثیر بگذارد، ولی در روند طبیعی، سینمای فعلی دنباله همان سینمایی است که بوده و مرحله‌به‌مرحله جلو می‌آید. تنها تفاوتی که در سال‌های اخیر ایجاد شده این است که چند جوان فیلمساز آمدند که هم اکران موفق دارند و هم بین آنها فیلمسازهای توانا و باذوق وجود دارد. طبعا روی فیلم‌های فیلمساز جوان بیشتر می‌توان حساب کرد، چه به لحاظ ارزش‌های هنری و فرهنگی فیلم‌ها و هم از نظر اکران عمومی و ارتباط با مخاطب عام و... به نظر می‌رسد سینمای ما دارد جوان می‌شود و پوست می‌اندازد و نسل جدیدی از یک سینمای وابسته به نسل جدید متولد می‌شود.

الان در دوره گذار هستیم یا آن دوره را رد کرده و به نتیجه گیری و هدف رسیده‌ایم؟

کم‌کم شکل می‌گیرد. یک دورانی جوانان فیلم‌هایی می‌ساختند که اکران نمی‌شد یا مثلا در هنر

و تجربه اکران می‌کردند، چون دیدگاه دیگری داشتند، ولی الان همان جوانان یا نسل دیگری آمده‌اند که فیلم برای اکران عمومی می‌سازند و تجربه در یکی دو سال اخیر نشان داده فیلم‌ها موفق بوده؛ یعنی حرفه‌ای‌تر به سینما نگاه می‌کنند.

برخی اعتقاد دارند کارگردانان قدیمی دچار ضعف شده‌اند و عده‌ای اعتقاد دارند نتوانستیم به صورت آکادمیک کارگردان تربیت کنیم. حضور جوانان به چه دلیل است؟ مدیران سینمایی آگاهانه چنین نسلی تربیت کردند یا این رشد به صورت گلخانه‌ای بوده است؟

بحث مدیریت را کنار بگذارید و کاری به این حرف‌ها ندارم. مهم این است که اینها محصول سینما هستند. یعنی جوانان علاقه‌مند به سینما در این بستر سینمایی شکل می‌گیرند و رشد می‌کنند. کاملا این اتفاق را روند طبیعی سینما می‌دانم و این به این معنا نیست که مدیران کاری کردند که اینها این طور شوند یا طور دیگری باشند. این طور نیست. جوانان مسیر طبیعی سینما را طی می‌کنند و کسی هم نمی‌تواند ادعا کند اینها را به این راه وارد کردیم یا یاد دادیم که فیلمساز باشند. البته تعدادشان زیاد است، ولی همه موفق نیستند. انبوه جوانانی که با عشق و علاقه به سینما فیلم ساختند چند نفر هستند که خود را نشان می‌دهند. فیلمسازان زیادی داریم. واقعیت این است که وقتی سابقه این فیلمسازان و جوانان را پیگیری می‌کنیم، به یک نهادی می‌رسیم که در رشد و شکل گرفتن اینها موثر بوده است. بیشتر این جوانان تا جایی که من مطلعم و با سینمای جوان ارتباط دارم، از انجمن سینمای جوان می‌آیند.

اما این انجمن قبلا هم بوده است. خروجی به اندازه الان نبوده یا توجه کافی به آن نمی‌شده است؟

این طور نیست که امروز بکاریم و فردا درو کنیم. روند در زمان طولانی اتفاق می‌افتد. قبلا هم فیلمسازانی داشتیم که از این انجمن فیلمسازی را تجربه کردند. موضوع این است که امروزه همان نسل تازه‌تر و جوان‌تر به سینمای حرفه‌ای و اکران عمومی فکر می‌کند. در عین حال که به مسائل اجتماعی و... می‌پردازد، به گیشه و مخاطب هم توجه دارد. نمی‌توان گفت سینمای جوان امسال فیلم کوتاه بسازند و سال بعد فیلم بلند بسازند. این طور نیست؛ باید زمان را در نظر داشت. برای رشد زمان لازم است.

سینمای بلاتکلیف و رها شده

محمدرضا عباسیان، تهیه‌کننده و دبیر سی‌ویکمین دوره جشنواره فیلم فجر مفصل‌تر از بقیه همکارانش صحبت کرد و البته دل پری هم داشت. به سازمان‌های مختلف و نهادهای متنوع سینمایی معترض بود و قائل به دسته‌بندی سینما در دهه‌های قبلی هم نبود.

وقتی از او پرسیدم فکر می‌کنید چقدر از اتفاقاتی که در کل دهه ۹۰ در سینمای ایران رخ داد، در سال آینده هم رخ می‌دهد؟ این گونه پاسخ داد: «در حوزه سینما که مهم‌ترین شاخه فرهنگی و هنری مملکت است، غیر از بلاتکلیفی و راهشدگی هیچ چیز دیگری دیده نمی‌شود. هیچ تاثیر فرهنگی گرفته نمی‌شود و نه تاثیرگذاری فرهنگی وجود دارد و نه برنامه‌ریزی مشخصی که بتوان گفت براساس این برنامه‌ریزی قرار است اتفاق مهمی رخ دهد. یک بخش عمده سینمای ما الان سینمای تجاری و مبتذل و سخیف است، در حالی که سینمای تجاری می‌تواند سینمای فرهنگی باشد، اما وضعیت به‌گونه‌ای شده که سینمای تجاری با سینمای مبتذل و سخیف است. به بهانه طنز هر مزخرفی را به خورد مخاطب می‌دهند و این اتفاق در سکوت معنادار مسئولان فرهنگی ما رخ می‌دهد.»

عباسیان در ادامه به فیلم‌های جشنواره‌ای و نگاه جشنواره‌ای هم نقد جدی وارد می‌کند: «یک بخش هم به اسم سینمای جشنواره‌ای داریم. البته این در بین فیلم کوتاه‌سازها بیشتر است. در بین مستندسازان کم‌وبیش وجود دارد، در بین سینماگران نیز وجود دارد. امسال در جشنواره هم دیدیم و نگاه و توجه به اینکه آن طرف آب جایزه بیریم و به جشنواره برویم. این نوع سینما قدرت خود را دارد و بیشتر شده و این مافیای گروه هم و تجربه خود به‌تنهایی موضوع بسیار مهم و قابل‌بحثی است. شرکت خصوصی هنر و تجربه با چه مصوبه قانونی به وجود آمده و این میلیاردها تومان پولی که آنجا هزینه شده، هزینه چه چیزی شده است؟ اما بخشی با هدف گسترش این نوع فیلم‌های جشنواره‌ای زده شده که اسم این را در اینجا هنر و تجربه گذاشته‌اند. یک‌سری هم این وسط فیلم‌های بلاتکلیف هستند. این مدیر سابق سینما در باره وظایف بخش دولتی و خصوصی می‌گوید: «الان در مورد اینکه بخش خصوصی چه کار می‌کند یا چرایه سینمایی خود عمل نمی‌کند، خیلی صحبت نکنیم؛ چون پرونده بخش دولتی ما آنقدر تاریک است که نوبت به نقد بخش خصوصی نمی‌رسد. بخش خصوصی می‌گوید بول خودم است و دلم می‌خواهد این کار را انجام دهم و دولت می‌گوید اشکالی هم ندارد. مدیران ما نه در سیاستگذاری نه در هدایت و ارشاد و ممیزی توانایی دارند و فعلا از این هم چیزهایی می‌کنیم. آن چیزی که الان دردناک و مهم است اینکه مجموعه بودجه دولتی و بول نفتی که برای سینما به نهادهای دولتی تزریق می‌شود، عدد چشمگیر و قابل توجهی است. خروجی اینها در تولید محتوای قابل قبول، نه مطلوب که تقریبا صفر است. بخش عمده این وضعیت به سازمان سینمایی کشور و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برمی‌گردد که طبق گفته اعضای کمیسیون فرهنگی سالانه حدود ۳۰۰ میلیارد تومان بودجه دارد و عملا هیچ خروجی بالارزشی ندارد. الان سطح توقعات از فیلم‌ها پایین آمده و ارزش‌های انقلاب و نظام و اسلام که هیچ، حتی فاقد ارزش‌های به‌دیهی اخلاقی و تربیت‌های خانوادگی و احترام به پدر و مادر و حفظ محیط‌زیست است که امور معمول روزمره هستند؛ امور تربیتی هم در فیلم‌هایی که اینها بسازند وجود ندارد و اصلا فیلمی در این خصوص ساخته نمی‌شود. در سازمان سینمایی یک نگاه منفعلانه وجود دارد. یک گام‌هایی قرار است فیلم‌هایی بسازند. اینها یا در جریان ساخت یا بعد از ساخت، نخودی در آش می‌اندازند تا ببینند کدام فیلم گرفت و خوب شد و بعد می‌گویند این فیلم‌ها را بیرون بیاوریم. البته این در بین سینماگران هم هست. هیچ فیلمی در سال ۹۸ که در روزهای پایانی آن قرار داریم، توسط سازمان سینمایی مستقلا تولید نشده که بگویند خوب و برنامه از اول دست سازمان سینمایی بوده است. حالا چه بنیاد فارابی یا مرکز گسترش یا به هر جای دیگر که. در حوزه مستند هم این وضعیت خراب را دارید؛ یعنی سیاستی که مرکز گسترش هم در این چند سال داشته این بوده که فیلم‌های زیاد شبه‌روشنفکری و رد و سیاه تولید کرده و بولی به اینکه زنوبه حقیقت و گفته چه چیزی درباره سوریه تولید کرده‌اید و بعد از آن ۲۰-۳۰ درصد بودجه تولید فیلمشان را داده که فقط زنومه برد که باشد.»

عباسیان در ادامه به همه سازمان‌های سینمایی منتقد بود، چون هنری را هم بی‌نصیب نگذاشت: «مهم‌ترین نهاد سینمایی کشور در دهه ۶۰ را دارید که اصلا باید سینمای انقلاب آنجا گذاشته شده و آن هم حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی است. واقعا پرونده تاریکی در سال‌های اخیر در حوزه تولید محتوای سینمایی دارد و چند سالی که آقایان اپوزیسیون روشنفکر به تعبیری غیرملی آنجا خیمه زدند، بول گرفتند و چند فیلم مزخرف ساختند که روی دست حوزه ماند، بعد هم سالیان طولانی هیچ اتفاق نیفتاد که تن